



**برگزاری کارگاه نقاشی روایت یاران در همدان**

مدیر عامل انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس از برگزاری کارگاه نقاشی با موضوع حاج حسین همدانی در استان همدان خبر داد. محمد حبیبی مدیر انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح با بیان این خبر گفت: این کارگاه نقاشی با حضور هنرمندان مطرح استانی و همزمان با کنگره ملی ۸۰۰۰ شهر استان همدان برگزار خواهد شد که در این کارگاه آقایان مهدی پرستار شهری، بشیر پوروقار، کریم زارعی، احمد شاملو، علی غیبی و امیر محمد سرمدی حضور خواهند داشت. این کارگاه امروز ۱۴۰۲ در ورزشگاه سردار شهید قاسم سلیمانی برگزار خواهد شد. حبیبی همچنین از برگزاری ۶ کارگاه دیگر تا پایان سال در سایر استان ها خبر داد. /مهر



**پرچم در اهتزاز در بوته نقد**

نشست نقد کتاب «پرچم در اهتزاز» نوشته سمیه جلالی روز دوشنبه ۱۷ مهر از ساعت ۱۵ در سالن زنده یاد طاهره صفارزاده حوزه هنری برپا می شود. در این برنامه که به همت مرکز هنری و رسانه ای سلوک و انتشارات سوره مهر برگزار خواهد شد، ساجده ابراهیمی، محمدرضا وحیدزاده و حامد صلاحی از نویسندگان و منتقدان حوزه کتاب به همراه سمیه جلالی نویسنده این اثر، درباره این کتاب گفت و گو خواهند کرد. «پرچم در اهتزاز» که سال گذشته در انتشارات سوره مهر منتشر شد، ایام عزاداری محرم در روزگار همه گیری کرونا در مسجد ارک را روایت می کند و از حال و هوای روزهای نه چندان دوری که گذرانیدیم، می گوید. /ایسنا

**سید حکیم بینش شاعر افغانستانی:**

**بالندگی غزل افغانستان حاصل ارتباط با شاعران ایرانی است**

سنائی و عطار توجه اصلی خود را معطوف به سرودن غزل می کنند. در این دوره قصیده افول می کند و غزل به عنوان قالبی غالب فراگیر می شود. وی در پایان گفت: غزل در لغت به معنای سخن عشق، حدیث عشق و عشق بازی است و محتوای اصلی غزل هم چیزی جز عشق نیست به گونه ای که حتی در غزلیات عارفانه محتوای اصلی عشق ورزی بنده عاشق با حضرت معشوق ازل است. بی شک در این دو مضمون عاشقانه و عارفانه به ترتیب از سعدی و حافظ به عنوان بزرگترین غزل سرایان تاریخ ادب پارسی یاد می شود. سید حکیم بینش شاعر افغانستانی در رابطه با سیر تطور غزل در افغانستان عنوان کرد: سیر تطور غزل در افغانستان پیوسته نیست. در یک دوره شاعران به آن اقبال نشان داده و در یک دوره دیگر نه. تا جایی که گاهی می بینیم چراغ غزل کم فروغ است. شاعران بزرگی مانند خلیل الله خلیلی نمی گذارد، چراغ غزل خاموش شود. وی ادامه داد: اما غزل افغانستان در دنیای مهاجرت، در جمهوری اسلامی ایران سیر دیگری دارد. شعر مهاجرت و مقاومت متولد می شود و شاعران مهاجر اقبال خوبی به قالب غزل نشان می دهند. اکثر این شاعران، در این ایران شعر و شاعری را آغاز کرده و بالیده اند. آن ها تحت تأثیر فضای غزل ایران، پرشورترین غزل ها را می سرایند، اما نیم نگاهی به وضعیت کشورشان هم دارند. بعضی از آنها مانند محمد کاظم کاظمی، ابوطالب مظفری، سیدرضا محمدی، سیدضیا قاسمی، محمدشرف سعیدی سبک و سیاق خود را در غزل دارند و اتفاقاً تأثیرات زیادی هم بر شاعران میزبان می گذارند. مثلاً سیدرضا محمدی در شعر زبان روزنامه ای دارد و مخاطب هم با شعر این شاعر ارتباط خوبی پیدا می کند. ارتباط شاعران مهاجر با شاعران داخل افغانستان ره آورد خوبی دارد و ما تأثیرات این ارتباط ها را در آثار شاعران می بینیم. /تسنیم

نشست ادبی «غزل در ادب پارسی»، با حضور جمعی از شاعران و ادیبان حوزه ایران فرهنگی با مدیریت علیرضا قزوه و اجرای سیدمسعود علوی تبار به میزبانی گروه بین المللی هنریران به صورت مجازی برگزار شد. در ابتدای مراسم سیدمسعود علوی تبار شاعر در سخنانی گفت: «چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت؟»، شاید بتوان این جمله یقوب لیث صفاری را در قرن سوم هجری سبب ساز تولد غزل در قرن ششم هجری به صورت مستقل توسط عطار و سنایی دانست. مستقل هم از جهت استقلال در ماهیت غزل که جزئی از قصیده به عنوان تغزل نباشد و هم اینکه در این برهه توجه ویژه ای به سرایش شعر در این قالب به عنوان قالبی برگزیده و غالب نشان داده می شد. زمانی که رویگرزاده سیستانی در سال ۲۵۱ موجبات انشقاق داخلی خوارج سیستان را فراهم می آورد و قیام عمار خارجی سر کرده این جماعت را به راحتی سرکوب می کند، شعرا به رسم معمول زمان اشعاری عربی در مدح یعقوب لیث صفاری می سرایند. یعقوب لیث صفاری با گفتن جمله «چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت؟» سبب می شود که دبیر رسائل او محمدبن وصیف سگری به تعبیر برخی من جمله به تأیید کتاب تاریخ سیستان اولین شعر و اولین قصیده زبان فارسی را با مطلع «ای امیری که امیران جهان..» در مدح امیر خود بسراید. علوی تبار ادامه داد: غزل تحت عنوان تغزل و تحت سیطره و در بند ابیات ابتدایی قصیده تا قرن ششم هجری پیش می آید تا اینکه در این برهه زمانی کم کم غزل ماهیت مستقلی به خود می گیرد و از بطن قصیده زاده می شود که از این حیث قصیده را می توان مادر غزل دانست. در قرن ششم هجری قصیده سرایانی مانند خاقانی شروانی، انوری ابیوردی و ظهیرالدین فاریابی تعداد قابل توجهی غزل از خود بر جای می گذارند و سپس بزرگانی همانند

